

Political Spatial Planning as a Local Development Strategy: The Experience of Sweden

Marzieh Rastad Borujeni¹ , Morteza Ghourchi^{*2} 

1. Researcher, PhD in Geography and Urban Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran
2. Assistant Professor of Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran – Iran

Received: 2024.02.26

Accepted: 2025.02.04

Extend Abstract

Introduction

The third millennium is the millennium of urbanization and its expansion over time fulfills the expectation that the planet will become a metropolis. In this transition, the position of urban planning becomes stronger. Planning, which is political in nature. The decisions of urban experts on the allocation of resources for infrastructure and specific stakeholders have political consequences and often lead to the maintenance or change of power. Often these decisions lead to the formation and change of urban places under the influence of various factors, including economic, social, political and cultural. Political spatial planning as a strategic tool in land management and sustainable development plays a key role in creating geographical balances and balanced distribution of resources. In this regard, studying the successful experiences of developed countries can be a model for other societies. Sweden, as one of the leading Scandinavian countries in spatial management and local development, provides an outstanding example of adopting planning policies to local conditions and comprehensive development.

* Corresponding Author, Email: m_ghourchi@sbu.ac.ir



Copyright© 2025. TMU Press. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

Research method

This study aims to investigate the political spatial planning in Sweden with an emphasis on municipalities. It uses a descriptive-analytical method based on library and documentary data. It introduces and describes a successful example of urban management and political planning of space for cities. It tries to analyze the role of political spatial planning in local development by emphasizing the experiences of Sweden and its applications for policymaking in other countries.

Finding

The Swedish experience shows that political spatial planning goes beyond the geographical distribution of resources and includes regulating relations between government institutions, civil society, and the private sector at different national and local levels. By emphasizing comprehensive planning, local participation, and decentralization, this country has succeeded in creating a structure in which economic, social, and environmental benefits are provided simultaneously. Sweden uses legal and policy tools such as urban planning law and regional policies to regulate land use, reduce regional inequalities and strengthen local capacities at three levels: national, regional and local, through the participation of civil servants, politicians, academics, experts and representatives of local associations and organizations. One of the distinctive features of Sweden's experience in political spatial planning is its emphasis on spatial justice. By designing policies for the balanced distribution of public services, infrastructure and economic opportunities in different regions, this country has been able to prevent excessive concentration in large cities and strengthen sustainable development in rural and underserved areas. The focus on social and environmental justice, along with economic efficiency, has created a comprehensive approach to local development in which all sectors and social groups participate. In other words, the legal policy in Sweden, as a successful example of the implementation of political spatial planning, has led to the correct formation of numerous freedoms, including; The idea and rights of citizenship are enshrined in the constitution in the form of the formation of municipalities and the law of parliamentary government called the Riksdag. The municipalities have become a place for government representatives and civil society organizations to meet to carry out the arts and deliberative democracy, and the government and civil society have become a part of the transition from the nation-state relationship to a new governance with a high percentage of participation among all residents of this area.

Conclusion

This study shows that political spatial planning can be an effective tool for achieving sustainable local development, provided that it is designed and implemented based on the principles of participation, justice, transparency and multi-level coordination. The Swedish experience shows that combining planning policies with local development and the use of advanced technologies can lead to a reduction in inequalities and an increase in the quality of life in the national and local levels. This approach is a valuable model for countries such as Iran that face similar challenges in the spatial distribution of resources and regional development. This country has achieved proper implementation of spatial planning by distributing power proportionately and reducing the level of administrative-governmental corruption through the participation of parties and civil groups, and has practically proven the successful implementation of bottom-up approaches.

Keywords: Political Spatial Planning, Urban Management, Municipalities, Sweden.

آمایش سیاسی فضا به مثابه استراتژی توسعه محلی با تأکید بر تجربه کشور سوئد

مرضیه راستاد بروجنی^۱، مرتضی قورچی^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

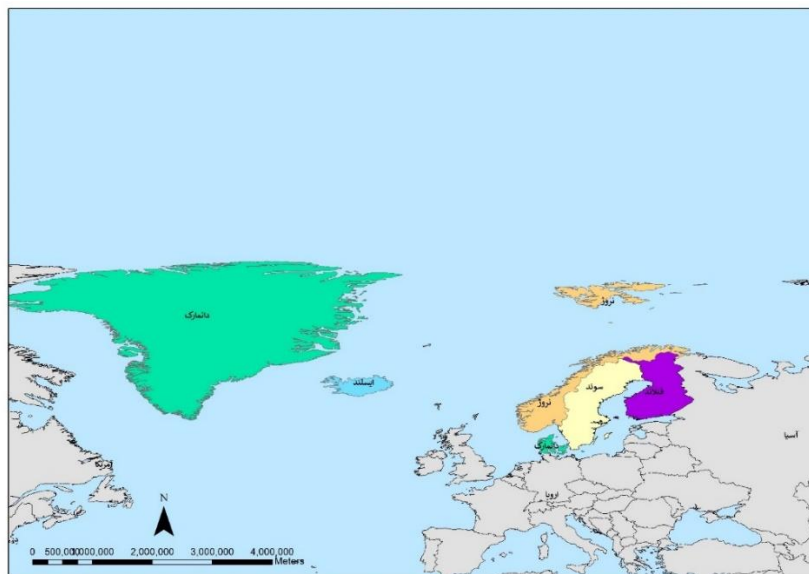
چکیده

هزاره سوم میلادی، هزاره شهرنشینی است و روند گسترش آن طی زمان این انتظار را برآورده می‌کند، که کره زمین به جهان شهری بزرگ مبدل می‌شود. در این گذار، جایگاه برنامه‌ریزی شهری قوت بیشتری می‌یابد. برنامه‌ریزی که ماهیتاً سیاسی است. تصمیمات متخصصان شهری، درمورد تخصیص منابع برای زیرساخت‌ها و ذینفعان خاص، پیامدهای سیاسی دارد و اغلب به حفظ یا تغییر قدرت منجر می‌شود. اغلب این تصمیمات تحت تأثیر عوامل متنوعی از جمله اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به شکل‌گیری و تغییر مکان‌های شهری منجر می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی آمایش سیاسی فضا در سوئد با تأکید بر کمون‌ها انجام گرفته و از روش توصیفی - تحلیلی و براساس داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی انجام استفاده شده است و نمونه موفقی از مدیریت شهری و آمایش سیاسی فضا را برای شهرها معرفی و توصیف کرد. خط‌مشی قانونی در کشورهایی از جمله سوئد به عنوان نمونه موفق از اجرایی شدن آمایش سیاسی فضا به شکل‌گیری صحیح آزادی‌های بی‌شمار از جمله عقیده و حقوق شهروندی براساس قانون اساسی در قالب تشکیل کمون‌ها و قانون دولت پارلمانی به نام ریکسداگ^۱ منجر شده است. نتایج حاکی از آن است که در این کشور حکمرانی شهری، به شکلی واقعی با نگاهی از پایین به بالا و مشارکت‌جویانه میان بازیگران اصلی و ذینفعان مناطق برقرار شده است. قدرت برنامه‌ریزی برای ساخت آنچه باید ایجاد شود، با مشارکت پویای سیاستمداران، برنامه‌ریزان و بازیگران عمومی و خصوصی و شهرداری‌ها ایجاد شده است.

کلمات کلیدی: آمایش سیاسی فضا، مدیریت شهری، کمون‌ها، سوئد.

۱. مقدمه

امروزه، بیش از ۶۰ درصد تصمیمات اتخاذشده در اروپا به شکلی محلی گرفته می‌شود و نزدیک به ۸۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها توسط مقامات محلی و منطقه‌ای انجام می‌شود. همچنین، بحران مالی، اقتصادی و اجتماعی ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰، بیشتر دولت‌های ملی اروپا را تحت تأثیر قرار داد و نشان داده که آینده اروپا بیش از هر زمان دیگری در دست مقامات محلی و منطقه‌ای است (CEMR, 2016:115). در کشورهای اسکاندیناوی (دانمارک، سوئد، ایسلند، نروژ و فنلاند) نیز، برنامه‌ریزی، ابزاری برای ایجاد تغییرات و هدایت جامعه از طریق آن به‌عنوان عصبی دست شهرداری‌هاست. در این حوزه، سیاست برنامه‌ریزی، با همکاری ساکنان محلی به‌عنوان خلاقان و ناظران مهم در زمینه‌های مختلف از جمله زمین، توسعه شهری، محیط زیست، رفاه عمومی، حمل و نقل و ...؛ در تطابق با نیازهای مردم صورت می‌گیرد. به عبارتی دیگر، این کشورها با تقسیم قدرت در سطوح محلی - منطقه‌ای، از یک سنت قوی سیستم رفاهی متمرکز برخوردار بوده و نگرانی‌های مدیریتی شهری در زمینه سلامت و رفاه حال شهروندان در نظام حکمرانی شهری به خوبی رفع شده است که درحقیقت چارچوب اندیشه‌ای آن در این سنت ریشه دارد که از نگرانی درمورد سلامت و رفاه شهروندان با یک نظام حکمروایی خوب سرچشمه گرفته است (Hansen, 2017:106).



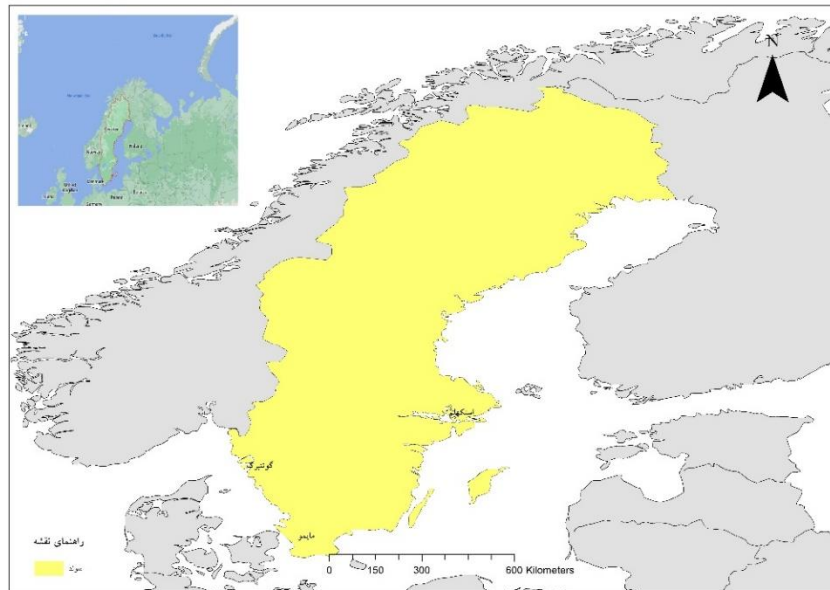
شکل ۱: کشورهای اسکاندیناوی، مأخذ: نگارندگان

به‌لحاظ سیاسی این واقعیت مهم است که روند دموکراتیزه شدن در این کشورها از اوایل قرن بیستم، شدت گرفت، اگرچه دانمارک، نروژ و سوئد از نظر سیاسی، پادشاهی مشروطه با سران سلطنتی دارند و دو کشور دیگر، به

شکل جمهوری اداره می‌شوند، هیچ قدرت سیاسی برتری وجود نداشته و در تمامی جلسات، وزرای کشور شرکت می‌کنند. به‌طور کامل در دانمارک و سوئد، طبقه اشراف در جامعه مدنی ادغام شده‌اند. بنابراین، همه کشورهای منطقه شمال اروپا دارای دموکراسی پارلمانی هستند و قدرت در اختیار اکثریت پارلمان است. دولت نیاز به قدرت حداکثری ندارد و در برخی از موارد برای اعمال قدرت، با پارلمان مذاکراتی انجام می‌دهد.

یک دولت، تنها تا زمانی می‌تواند در قدرت باقی بماند که اکثریت پارلمان آن را بپذیرد و نیازی به اکثریت مجلس برای حمایت فعال از دولت یا مخالفت فعالانه نیست (پارلمانتیسم منفی) (www.norden.org). این کشورها با سیاست‌هایی که در پیش گرفته‌اند، در زمینه توسعه پایدار، شاخص‌های انسان‌گرا، میزان رفاه اجتماعی، حکمروایی خوب شهری و کارآفرینی در زمره کشورهای موفق واقع شده‌اند (Khursheed et al., 2019: 597). کشورهای فنلاند، دانمارک و سوئد در تعقیب اهداف توسعه پایدار افق ۲۰۳۰؛ کاهش فقر، بهبود سلامت، آموزش و امور مربوط به انرژی در رتبه ۱ تا ۳ جهانی قرار گرفته‌اند، که نشان‌دهنده همکاری متقابل سیاست‌های تجارت خارجی با دولت، شهرداری‌ها و نهادها و ائتلاف‌های موجود در این کشورهاست. به عبارتی با قرار گرفتن اختیارات قانونمند در مناطق، این کشورها در دستیابی به توسعه پایدار موفق عمل کرده‌اند و کیفیت دموکراسی این کشورها، نقش فزاینده‌ای در افزایش میزان شادی و رضایتمندی ساکنان آن دارد. همچنین در زمینه ارزیابی زندگی، حمایت اجتماعی، آزادی و کم‌ترین میزان فساد در رتبه‌های برتر و در وضعیت بهتری در مقایسه با میانگین جهانی واقع شده‌اند (Martela et al., 2020: 130).

سوئد، شرق شبه جزیره اسکاندیناوی در امتداد جنوب - شمال و هفتمین قلمرو ملی در دایره قطب شمال واقع شده است. این کشور از نظر پوشش گیاهی به دو سمت شمالی (جنگلی) و جنوبی (دشت حاصلخیز) تقسیم شده و قرارگیری در عرض جغرافیای بالا به برخورداری از نور روز طولانی در تابستان و شب‌های طولانی در زمستان منجر شده است (Cardiff ED, 2017: 10-12). جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۹، ۱۰/۲۸ میلیون نفر برآورد شده که ۹۰ درصد جمعیت در نیمه جنوبی این کشور و ۴۰ درصد جمعیت در سه منطقه شهری، استکهلم، گوتنبرگ و مالمو زندگی می‌کنند.



شکل ۲: موقعیت کشور سوئد (مأخذ: نگارندگان)

سوئد، در بسیاری از جهات کشوری غیرعادی به شمار می آید. جمعیت آن کم تر از لندن برآورد شده است و علی رغم اینکه کم تر از ده درصد اراضی کشور به زیر کشت می روند، از نظر غذایی خودکفا بوده و کشوری به شدت صنعتی به شمار می آید. توزیع درآمد نسبت به اروپای غربی یکنواخت تر بوده و دولت محلی، با بودجه ۱۹/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی دارای ریشه های قدیمی قوی ای است. خودمختاری محلی در سوئد، به قرون وسطی بر می گردد، اما براساس داده های مؤسسه اسکانسکا^۱ اصلاحات در زمینه آمایش سیاسی فضا، در سال ۱۸۶۲، زمینه های مناسبی برای شکل گیری دولت محلی را ایجاد کرد. در این اصلاحات، وظایف کلیسای سوئد از وظایف مدنی جدا شد و ساختار حکومت محلی از طریق تبدیل هر شهر و روستا در قالب ۲۴۰۰ شهرداری ایجاد شد و این ارگان ها به شکل منفرد، وظیفه اخذ مالیات ها را به عهده گرفتند. طی زمان کوچک بودن شهرداری ها مشکل ساز شد و پس از ۱۹۵۰ اصلاحات فضایی متعددی انجام شد و تعداد کمونرها^۲ را به ۲۷۸ کاهش داد و برخی از کمونرها تقسیم شدند که مجموع آن ها تا به امروز ۲۸۹ رسیده است. در نتیجه حکومت در قالب حکومت های محلی با گروه ها و بخش های تخصصی در امور مختلف فعالیت کرد. دهه ۱۹۷۰، حق رأی مهاجران در انتخابات محلی تحت شرایط خاص و امکان انتخاب شدن در شورای محلی داده شد و در سال ۱۹۷۷، به اکثریت اعضای شورا این اجازه داده شد تا در امور مختلف به شکل

1. Eskanska
2. Commoners

همه‌پرسی و نظرسنجی تصمیم‌گیری کنند. به طوری که این روزها با ۵ درصد رأی‌دهندگان، می‌توانند درخواست برگزاری referendum با مدیریت شورا دهند (Schulman & Böhme, 2000: 73). در پایان همین دهه، به شهرداری‌ها اجازه معرفی شوراهای همسایگی و محله‌ای داده شد، که علی‌رغم معرفی ۲۵ شورا، در سال ۱۹۹۰، این وظایف نادیده گرفته شد. به عقیده گاستافسون، در ابتدای دهه ۱۹۸۰، آزمایش کمون‌های آزاد آغاز شد و هدف اصلی این آزمون، شناسایی اهداف مدیریتی شفاف، کارایی بهبودیافته، نوسازی و ساده‌سازی مقررات، اطلاعات بهتر، رویه‌های بازتر، دسترسی بیشتر و آزادی انتخاب بیشتر برای عموم مردم معرفی شد (Andersson & Gustafsson, 1991: 80). برای رسیدن به اهداف نامبرده، لازم بود که کنترل دقیق توسط دولت مرکزی در برخی شوراهای شهرستان‌ها کاهش یابد و به تعداد شهرداری‌ها افزوده شد. در اوایل دهه ۱۹۹۰، تمایل به افزایش آزادی انتخاب در اموری چون مراقبت‌های کودکان، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی افراد مسن افزایش یافت، و ۶۰ کمون این وظایف را در اختیار گرفتند (Montin & Persson, 1996: 33). همچنین، ۴۰ کمون به شکل تخصصی در زمینه مدیریت با هدف نظم‌بخشی و بهبود عملکرد ارگان‌های مربوطه به فعالیت‌های سیاسی پرداختند. در این دهه، اصلاحاتی با هدف افزایش میزان مشارکت شهروندان و بخش‌های خصوصی، شرکت‌های اجتماعی و کمیته‌های خدمات اشتغال‌زایی محلی در دستور کار قرار گرفت و به تعبیر مونتین و الندر در سال ۱۹۹۵، نتیجه کاهش نفوذ دولت مرکزی، مقررات‌زدایی و تمرکززدایی، همچنین به سیاست‌زدایی و خصوصی‌سازی منتهی شد، که توسط مقامات حکومت محلی، تبدیل مفهوم شهروندی به مصرف‌گرایی بود و ایراد کار بهره‌گیری کم از شهروندان فعال سیاسی به جز انتخابات عنوان شده است (Montin & Elander, 1995: 50). امروزه، شهرداری‌های وظیفه ارائه اغلب خدمات محلی را به عهده دارند و شوراهای شهرستان مسئول مراقبت‌های بهداشتی و شبکه حمل و نقل منطقه‌ای هستند. تا سال ۲۰۱۶، ده شهرستان موقعیت منطقه‌ای پیدا کردند و شوراهای منطقه‌ای، مسئولیت‌های مازاد برای توسعه مناطق را از هیئت‌های اداری شهرستان‌ها بر عهده دارند. بنابراین دولت محلی در سوئد بسیار قدرتمند است و نقش غالب در خدمات‌رسانی و ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی را به عهده گرفته است. مقامات محلی، آزادی‌های بی‌شماری برای سازماندهی فعالیت خود دارند که تحت شمول و نظارت دقیق دولت مرکزی هستند و در سال ۲۰۰۷، انجمن مقامات محلی و منطقه‌ای سوئد، شهرداری‌ها و مناطق را به عنوان انجمن کارفرمایان و سازمان منافع دولت محلی نمایندگی می‌کنند (Young et al., 2016). به عبارت دیگر، سوئد به عنوان یکی از کشورهای حوزه اسکاندیناوی و مورد توجه این پژوهش، برنامه‌ریزی محلی خاصی را تدارک دیده و آن را اجرایی کرده است. به گونه‌ای که، شهرداری‌ها مسئولیت برنامه‌ریزی فضایی را براساس دو ابزار در اختیار دارد؛ طرح جامع شهرداری^۱، که طرح الزام‌آور قانونی نبوده و تنها شامل راهنمایی‌ها در رابطه با توسعه کاربری زمین شهری و توسعه استراتژیک بلندمدت و هماهنگ با اهداف ملی و منطقه‌ای است و دیگری،

طرح تفصیلی¹ که به دنبال تنظیم قوانین مناطق در سطح خشکی و آبی هستند (Grundström & Molina, 2016: 80). بنابراین آمایش سیاسی فضای اجرا شده در سوئد، می‌تواند الگوی مناسبی برای بهره‌گیری آن و بومی‌سازی با شرایط کشور ایران شود. این پژوهش سعی داشته است با بررسی آمایش سیاسی فضا در سوئد به این پرسش پاسخ مناسبی ارائه کند: کمونرها چگونه باعث آمایش سیاسی فضای بهینه شده و به توسعه پایدار و تجلی‌گر عدالت فضایی منجر شده است؟

۲. مبانی نظری

آمایش فضا و توسعه در سوئد به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرفته شمال اروپا ارتباط نزدیکی دارند که به‌دلیل توجه بالای این کشور به مدیریت منابع، عدالت فضایی و توسعه پایدار است. این کشور همواره تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی‌های فضایی و سیاست‌های کارآمد، تعادل میان توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را حفظ کند. به عبارتی دیگر، آمایش فضا، ابزاری مدیریتی برای استفاده بهینه از زمین و منابع و تعادل بخشی میان رشد اقتصادی، حفاظت از محیط زیست و رفاه و سلامتی است که در سطوح محلی و منطقه‌ای به آن پرداخته می‌شود. اصولی که در نظام سوسیال دموکراسی این کشور در ۱۸۸۹ به‌عنوان سیاست‌های کلان معرفی شد و با پیاده‌سازی سیاست‌هایی توسعه محلی از پایین به بالا همچون تأمین اجتماعی، بهداشت عمومی رایگان، آموزش همگانی رایگان به تحقق اهداف آمایشی خود کمک کرده است. همچنین این حزب با ایجاد برنامه‌هایی مانند خانه مردم، احساس هم‌بستگی اجتماعی و مشارکت فعال شهروندان را فراهم کرده است و موفقیت طرح‌های ذکر شده با استفاده از مالیات‌های تصاعدی و سیاست‌های باز توزیع درآمد تضمین شد، به طوری که این کشور در آستانه قرن بیستم، به یکی از پایدارترین جوامع اقتصادی و اجتماعی مبدل شد (Rahnama, 2019: 15). بنابراین با سیاست‌گذاری‌های انجام‌پذیرفته از سوی این کشور، مردم به جای نقش مصرف‌کننده صرف، بازیگران اصلی توسعه مشارکتی هستند. به طوری که با جلب مشارکت، مدیریت منابع و کاهش وابستگی‌ها به مراجع خارجی، تلاش می‌کند جامعه را به سمت پایداری سوق دهد. توجه رویکرد توسعه محلی در سوئد به تمرکز بیشتر به علایق و فرهنگ جوامع محلی و پیگیری اهداف از طریق ارتباط مستقیم با افراد محلی، بخش خصوصی و نهادهای محلی منجر شده که پیامد آن احساس مالکیت و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه است (Karimi & Salehi, 2022: 18).

البته گفتنی است که از دهه ۱۹۸۰، این کشور به سمت سیاست‌های لیبرالیسم اقتصادی حرکت کرد. کاهش نقش دولت، در اقتصاد و مقررات‌زدایی از بازارهای مالی علی‌رغم افزایش رشد اقتصادی، نابرابری‌هایی را نیز پدید آورده است. با این حال، سوئد نمونه‌ای از جامعه متعادل عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی مطلوب یاد می‌شود و بسیاری از

کشورها، آن را به عنوان الگو و مدل سیاستگذاری‌ها بررسی می‌کنند. در ادامه به شکل انحصاری به مباحث مرتبط با آمایش سیاسی و ارتباط آن با توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در قالب ساختار سیاسی سوئد پرداخته شده است:

۲-۱. سوئد و توسعه پایدار

همانطور که بارها در مقالات و پژوهش‌ها نشان داده شده، اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ این امر را تأکید می‌کند که شهرها به مرجعی کلیدی برای رهبری فرایندها و سیاست‌های پایداری بدل شده‌اند و فراتر از هدف ۱۱ این چشم‌انداز، یعنی رسیدن به شهرهای انسانی فراگیرتر، ایمن‌تر و مقاوم و پایدارتر، موظف به ترویج استراتژی‌ها، ابزارها و نهادهای برای دنبال کردن اهداف دستور کار ۲۰۳۰ هستند (Ansell & et al., 2022: 11). توسعه پایدار به عنوان یک راهبرد کلیدی در سال ۲۰۰۳ هدف کلی سیاست سوئد انتخاب شد و واحد توسعه پایدار در وزارت محیط‌زیست ایجاد شد و در سال ۲۰۰۵ شورای توسعه پایدار به دنبال تسهیل و اجرای سند راهبردی توسعه پایدار در سطوح محلی و منطقه‌ای فعالیت خود را آغاز کرد. در ۲۰۰۷، کمیسیون توسعه پایدار توسط نظارت نخست وزیر وقت^۱ جایگزین شوراها شد. دولت سوئد به خوبی به این نکته پی برده است، که توسعه پایدار، یک موضوع فرابخشی است که در آن سطح توسعه اقتصادی بالا، اساس عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست را تشکیل می‌دهد و مرحله بعدی توسعه سیاسی است؛ چون وظیفه تعادل میان ابعاد توسعه پایدار را دارد (Ahlberg, 2009: 159) و بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های کلی و محلی این کشور است. در راستای توسعه سیاسی، جوامع محلی در قالب شهرداری‌ها به دلیل شناخت مشکلات و چالش‌های موجود در شهر، نهادی مناسب در جهت انطباق این اهداف به شمار می‌روند. به عبارتی دیگر، حکومت‌های محلی اقدامات روشن‌تری در ارتباط با مشکلاتی چون فقر، بیکاری، امنیت به دلیل لمس کردن مشکلات از نزدیک به نسبت دولت‌های ملی و مرکزی انجام می‌دهند و با بهره‌گیری از پتانسیل‌هایی چون بسیج بازیگران محلی و توجه به اقدامات آنان، اعطای مشروعیت و موقعیت به آن‌ها، افزایش ظرفیت سازمانی در حل مسائل و تحریک توانمندی آن‌ها در راستای تحقق SDGs و افزایش تعاملات پربار، بهره‌گیری می‌کند (Diamond & Weiss, 2016: 65). از منظر بین‌المللی، شهرداری‌های سوئد، نقطه شروع بسیار خوبی برای مشارکت در اجرای کار جهانی در سطح محلی دارند. استقلال محلی در این سیستم بسیار قوی است و توسط قانون اساسی سوئد مورد حمایت گسترده قرار گرفته است. این به معنای آزادی عمل بیشتر توأم با مسئولیت بیشتر شهرداری‌هاست. شهرداری‌های سوئد مسئولیت مراقبت‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی شهری، حفاظت از محیط زیست و بهداشت، دفع زباله، آب و فاضلاب، خدمات اضطراری، واکنش اضطراری و مدنی، مسکن و انرژی و همچنین امور کتابخانه‌ها، اوقات فراغت، فرهنگ و توسعه تجارت در سطح محلی و منطقه‌ای را بر عهده دارند. همه این موارد به این معناست که اهداف توسعه پایدار به بخش

بزرگی از فعالیت‌های اصلی شهرداری‌ها بدل شده است. بزرگ‌ترین چالش سوئد، چالش آب و هوایی است و شهرداری‌ها می‌توانند به عنوان مثال، برنامه‌ریزی فیزیکی خود را برای تغییرات اقلیمی تغییر و تطبیق دهند و همچنین، می‌توانند در انرژی‌های تجدیدپذیر، و برنامه‌های کاهش مصرف انرژی، سرمایه‌گذاری کنند؛ درمورد تحرک پایدار تصمیم بگیرند و فضاهای سبز را برای این هدف به خوبی کنترل کنند. همچنین کمونرها، فرصت‌های عمده‌ای برای توسعه محلی قوی براساس قانون دارند، مانند طرح‌های ایجاد فرصت‌های برابر در مدارس از طریق تخصیص منابع اجتماعی - اقتصادی و توزیع بودجه متناسب با آن‌ها و همچنین برابری جنسیتی (UCLG, 2020). پایداری محیط زیست و اقتصاد می‌بایست، در راستای پایداری اجتماعی باشد که شهرداری‌های سوئد این مفهوم را تا حد زیادی ترسیم کرده‌اند. برای نمونه، گوستاوسون و همکاران در پژوهش خود، مفهوم پایداری را در ۸ پروژه ساخت و ساز شهری بررسی کردند و در نهایت استراتژی‌های مؤثر در حال و آینده در این زمینه را نشان دادند (Wälitalo & Missimer, 2022: 2). ازجمله نمونه‌های مورد توجه شهرداری‌های سوئد در راستای پایداری اجتماعی، الزامات قانونی برای انجام مشاوره‌های آزاد در راستای پروژه‌های ساخت و ساز و زیربنایی جهت کمک به شهروندان و مبنای قرار دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، مشارکت دادن کودکان در آموزش‌های پیش‌دبستانی از طریق برگزاری تورهای شهری و برگزاری تور در مناطق مسکونی با هدف شناسایی مکان‌های ناایمن و حذف موانع کاهش‌دهنده دسترسی، مشارکت اقلیت‌های متنوع کشور در فرایندهای مشاوره به منظور حفاظت از حقوق آن‌ها، افزایش اقدامات شهری متناسب با نظرات و حقوق کودکان پس از تصویب کنوانسیون حقوق کودک در سازمان ملل ۲۰۲۰، می‌توان اشاره کرد (UCLG, 2020).

۲-۲. سوئد و عدالت اجتماعی - فضایی

بدیهی است که عدالت فضایی به معنای تخصیص منابع مساوی بر تمامی نهادهای یک کشور و منطقه نیست، بلکه به معنای تأمین وسایل لازم برای رفع نیازهای مختلف در نقاط مختلف است. این مفهوم در دولت‌های رفاه، با تمرکززدایی گسترده و اعطای وظایف به بخش‌های محلی کاربرد عملی یافته است. به طوری که بسیاری از مقامات محلی، از صلاح‌دید قابل توجهی برای رفع نیازهای گروه‌های آسیب‌پذیر و تضمین مشروعیت دولت رفاه برخوردارند (De La Porte et al., 2022: 545). یکی از نیازهای ساکنان شهری، به‌ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر، تأمین مسکن است. با پایان یافتن جنگ جهانی اول، اروپا درگیر بحران شدید مسکن و اختلال در زمینه تأمین نیازهای ساکنان خود شد. در آن زمان، سوئد به غیر از قوانین ساده ساخت و ساز که در قانون مدون شده بود تا خطرات ناشی از آتش‌سوزی و شرایط بهداشتی را کنترل کند، هیچ ابزار بروکراتیکی برای تنظیم فضای شهری نداشت و قانون ۱۹۰۷، اجازه ساخت و ساز در نقاط متراکم و محلات فقیرنشین با ۵ طبقه، و عرض خیابان ۱۸ متر و حیاط‌های اجباری داده شد. اولین

اقدام جدی سوئد برای محلات فقیر، تدوین سیاست‌های طراحی برای مناطق پرجمعیت بود تا از تبدیل شدن مناطق پرجمعیت به زاغه‌های اجاره‌نشینی جلوگیری کند. در ۱۹۲۱، قانون ساختمان‌سازی کم‌مرتبه و کم‌تراکم با توجه به حداقل خواسته‌های مسکن اجتماعی در نظر گرفته شد و فضاهای بیشتری متناسب با تقاضای ساکنان بر بدنه مسکن اجتماعی از جمله فضاهای ذخیره‌سازی، انبار، آشپزخانه ۱۲ متری و اتاق خواب کم‌تر از ۲۲ متری در قانون لحاظ شد. شهر بر این اساس به سمت گونه‌شناسی مسکن کم‌تراکم در قالب باغ شهر هدایت شد. استانداردسازی مسکن شهری، از ۱۹۲۰ توسط آکادمی سلطنتی علوم مهندسی سوئد در امتداد خطوط مشابه با تلاش‌های آمریکایی‌ها و آلمانی‌ها شروع شد (Henderso, 2013: 115). استانداردسازی که با دانش تخصصی همراه بود و نیازهای مصرف‌کنندگان و گروه‌های مختلف با هدف راهی برای کاهش هزینه‌های زندگی ساکنان و در تعامل با عامل دسترسی به فضای سبز، را در نظر گرفته بود و نظر فروشنده را محدود می‌ساخت و هنجار برنامه‌ریزی شهری سوئد مبتنی بر این کلمات گردید: «مسکن از نظر بهداشت برابر برای همه» تا اطمینان حاصل شود، نیازهای جهانی یک شهروند به مسکن از نظر شرایط طبیعی و امکانات تأمین شود و برای این امر، اعطای وام یارانه‌ای توسط دفاتر اعتبارات ساختمانی هر شهر با نظارت شهرداری‌ها برای تهیه مسکن به عنوان یک حق عمومی و اجتماعی صورت پذیرفت. به عبارتی دیگر، امور ساخت و ساز به مانند طرح‌های محلی به عهده شهرداری‌هاست و هیئت مسکن وظیفه تطابق مجوزهای شهرداری با استانداردهای ملی را به عهده دارد. راه تکنوکراتیک سوئد به سوی عدالت فضایی به این شیوه بود که چشم‌انداز شهرها به آرامی اما عمیقاً توسط شیوه‌های برنامه‌ریزی طراحی شود و برای تغییر سیستماتیک فضا به عنوان مجموعه‌ای از نیازهای استانداردهای جهانی برای شهروندان، توسط بخش محلی و اعطای حق قانونی به شهرداری‌ها اجرایی شود (Pries, 2022: 287). بنابراین، سیاست‌های دولت مرکزی و محلی سوئد با اعطای اختیارات، مفاهیم عدالت فضایی را در چارچوب، برابری، عدالت در بازار و تقاضامحوری را در نظر گرفته است که در این میان نمونه برنامه‌ریزی مسکن نشان‌دهنده توزیع عادلانه خدمات عمومی و منابع و به نوعی تبلور عدالت اجتماعی در این کشور است.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق از نظر هدف، بنیادی - کاربردی است و به صورت توصیفی و تحلیلی به بررسی سیستم حکومت مرکزی و محلی سوئد و دستیابی به دموکراسی واقعی و درست پرداخته شده است. در این پژوهش، از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بهره‌برداری شد، تا مفاهیم و مباحث مرتبط با آمایش سیاسی فضا در قالب توسعه محلی و تمرکز به سطوح پایین به بالا با تأکید ویژه بر سوئد و توسعه پایدار، سوئد و عدالت اجتماعی و فضایی، به تحلیل و بررسی ساختار سیاسی سوئد و چگونگی مدیریت شهرها و مناطق مختلف این کشور پرداخته شد تا بتواند الگوی موفق در زمینه دموکراسی و اداره شهرها و استان‌ها را معرفی کند و به شکل مؤثر در کشور ما به منصه اجرا برسد. در نهایت با شناسایی

شرایط حکمرانی محلی در سوئد به ارائه پیشنهاداتی در این راستا به شکل علمی و عملی در سطح ایران پرداخته شد.

۴. یافته‌ها

از قرون وسطی، سوئد کشوری مستقل بوده که توسط سیستم پادشاهی اداره می‌شد. امروزه، سیستم سیاسی سوئد به شکل سلطنتی مشروطه است که پادشاه در رأس آن قرار دارد. از آغاز قرن ۱۹، سلسله برنادوت^۱ بازوی اصلی قدرت را تشکیل دادند و پادشاه از نظر تاریخی، در تمام رویدادهای رسمی کشور شرکت می‌کند، و در صورت دعوت از طرف یک کشور خاص، در عرصه بین‌المللی نیز حضور می‌یابد. اما به‌طور کلی به هیچ موضوع مهمی نمی‌پردازد. پادشاه حتی حق انتخاب یا برعکس عزل از سمت، معاونان دولت، عالی‌ترین کارکنان قضائی و سایر مقامات مهم را ندارد. وظایف اصلی قوه مجریه تا حد زیادی بر عهده دولت است که مفاد قانون اساسی فعلی نیز بر آن تأکید دارد. در عین حال، تمام تصمیمات اتخاذشده توسط دولت نیازی به تأیید یا امضای شاه ندارد. دولت با مسائل اساسی اقتصاد، زندگی اجتماعی و سیاسی پادشاهی سروکار دارد. این نهاد دولتی همچنین حق دارد، همه مقامات ارشد و حتی قضات عالی را منصوب کند. این دولت است که رهبر اصلی نیروهای مسلح کشور است، برای مثال سیستم قضائی این کشور تحت ریاست دیوان عالی مشتمل بر ۲۰ مشاور است و یکی از این مشاوران توسط دولت منصوب می‌شود. همچنین ۶ دادگاه استیناف وجود دارد که هر کدام در یک منطقه جداگانه از کشور قرار گرفته و مشتمل بر ۵ قاضی هستند (www.orangesmile.com).

از نظر سیاست‌گذاری‌ها، پارلمان، مرجع اصلی سوئد به‌شمار می‌رود. ساختار آن تک مجلسی و شامل حدود ۳۵۰ مقام است. هر یک از آن‌ها با نظام برای مدت ۳ سال انتخاب می‌شوند. گفتنی است که عملاً تمام مسائل مربوط به حوزه‌های فعالیت مانند تجارت، زیرساخت‌های حمل و نقل، حفاظت از زندگی و نیروی کار، بهداشت و درمان، حفظ نظم عمومی و همچنین صنعت و انرژی در صلاحیت مجلس است. به عبارتی دیگر، سیستم مدیریتی این کشور به شکل خودگردانی محلی است (Aiginger, 2000: 7)، که در برنامه‌ریزی‌ها به سه مورد تصمیم‌گیری‌های غیرمتمرکز و دموکراتیک، رقابت متوازن در دستیابی به منابع و منافع و توجه به ارزش‌های اکولوژیکی و اجتماعی، توجه دارد (Stahre, 2004: 70).

سوئد کشوری واحد است که به بخش‌هایی تقسیم شده و به آن‌ها شهرستان^۲ گفته می‌شود و توسط مقامات محلی اداره می‌شوند. مقامات این شهرستان‌ها هم توسط انتخابات برای دوره ۳ ساله تعیین می‌شوند و تمامی فعالیت این مقامات توسط فرماندار کنترل می‌شود؛ وی، به‌عنوان نماینده اقتدار در سطح دولت ملی است. بنابراین، امور قانونگذاری در سوئد در سطح ملی انجام می‌گیرد. سوئد از نظر لیبرال‌ها، مدلی موفق از کشوری است که هم‌زمان به رشد اقتصادی،

1. Bernadotte dynastic

2. Lena

از بین رفتن فقر، حفظ آزادی‌های فردی و سیاسی شهری دست یافته است (Sandalow, 1971: 766).

اگرچه سوئد دارای یک سیستم حکومتی پارلمانی در سطح ملی است، اما سازماندهی آن با سیستم‌های دیگر بسیار متفاوت است. مانند اکثر کشورهای دموکراتیک، سوئد دارای قانون اساسی مکتوب است. این قانون نحوه انتصاب پارلمان سوئد و دولت را مشخص می‌کند و روشی را که این نهادهای دولتی باید کار خود را انجام دهند، تعیین می‌کند. به عبارتی دیگر، قانون همه چیز این کشور است و تعریف‌کننده کشور و نشان‌دهنده شیوه اداره آن است. قانون، روابط بین تصمیم‌گیری و قدرت اجرایی و حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندان را تنظیم و چارچوبی برای اعمال قدرت سیاسی، ایجاد می‌کند؛ چارچوبی که تنها در صورتی تغییر می‌کند که بررسی بسیار دقیقی درمورد جنبه‌های مختلف آن صورت گیرد. قانون اساسی در پارلمان سوئد با یک انتخابات عمومی و همه‌پرسی شکل گرفته است. قانون اساسی این کشور شامل ۴ قانون ابزار دولت، قانون جانشینی، قانون آزادی مطبوعات و قانون اساسی آزادی بیان که اداره امور کشور را تحت نظر خود دارند و بر قدرت عمومی مردم تأثیر می‌گذارد. قدرتی که تماماً از آن مردم سوئد است و مفهوم واقعی دموکراسی را به ذهن متبادر می‌کند؛ دموکراسی که براساس شکل‌گیری آزادانه عقاید و رأی‌گیری برابر بنا شده و از طریق اشکال نمایندگی، پارلمانی دولت و خود مدیریتی محلی تحقق می‌یابد (www.riksbank.com).

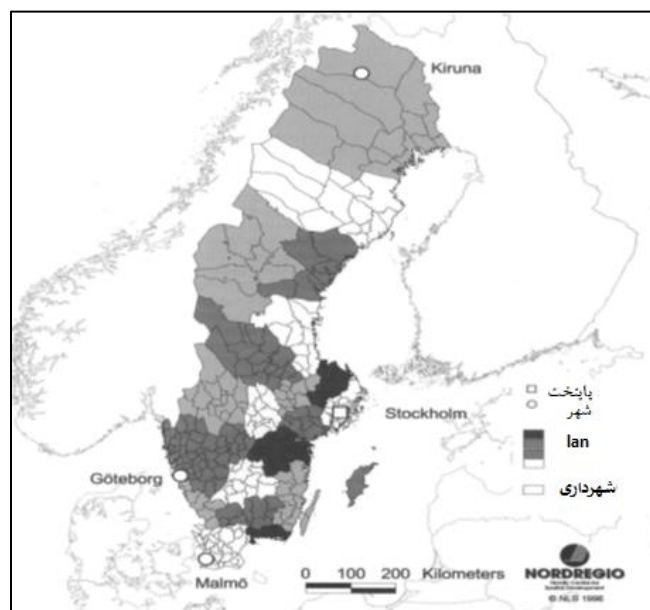
قانون اساسی رعایت موارد زیر را در اداره امور و توسعه شهر و منطقه لازم می‌داند:

- قدرت عمومی می‌بایست با احترام به ارزش قائل شدن یکسان و برابر برای همه و آزادی و شرافت فردی اعمال شود؛
- رفاه شخصی، اقتصادی و فرهنگی فرد باید اهداف اساسی فعالیت عمومی باشد. به‌ویژه، نهادهای عمومی حق اشتغال، مسکن و تحصیل را تضمین کنند و مراقبت‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی و همچنین شرایط مساعد برای سلامتی را ارتقا ببخشند.
- نهادهای عمومی باید آرمان‌های دموکراسی را به‌عنوان راهنما در تمام بخش‌های جامعه ترویج دهند و از زندگی خصوصی و خانوادگی فرد محافظت کنند.
- نهادهای عمومی فرصت دستیابی به همگان را ارتقا بخشند؛ مشارکت و برابری در جامعه و حمایت از حقوق کودک را در رأس برنامه‌ریزی‌ها قرار دهند.
- فرصت‌های مردم و اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی برای حفظ و توسعه زندگی فرهنگی و اجتماعی خودشان باید ارتقا یابد.
- مؤسسات عمومی باید با تبعیض افراد به‌دلیل جنسیت، رنگ، منشأ ملی یا قومی، وابستگی زبانی یا مذهبی، ناتوانی عملکردی، گرایش جنسی، سن یا شرایط دیگری که بر فرد تأثیر می‌گذارد، مبارزه کنند.
- بنابراین، در یک سخن کوتاه می‌توان اذعان داشت که، شرط مؤثر عمل کردن یک دولت خوب در کشور، به

توافق رسیدن شهروندان و ساکنان آن درمورد قوانین و یا اتخاذ قوانین مشروع است. حاکمیت قانون، پیش شرط امنیت حقوقی و دوام شکل حکومت است که در طول سال‌ها این مورد در سوئد اجرایی شده است. به عبارتی دیگر، به محض تصویب سندی در دولت، مهم‌ترین دغدغه دولت سوئد، حمایت گسترده و رسیدن به اجماع درمورد آن است، و مردم از طریق نمایندگان خود در پارلمان، یا از طریق رفراندوم، درخصوص دولت و قوه قضائیه و مقامات اداری و همچنین درمورد قواعد، مشروعیت، شکل‌گیری و توزیع قوانین، تصمیم‌گیری می‌کنند.

در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای سوئد و درک نقش نهادهای محلی و منطقه‌ای، می‌بایست به ابعاد قدرت (ساختار قدرت، بازیگران و تأثیرپذیری‌ها) در این کشور توجه شود، تا بتوان به درکی صحیح از برنامه‌ریزی فضایی دست یافت. لاکس^۱، سه بعد قدرت را نام برده است؛ ۱) قدرت تصمیم‌گیری که می‌توان از طریق کنش سیاسی، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات سیاسی تأثیرگذار بر افراد مختلف مشاهده کرد؛ ۲) قدرت غیر تصمیم‌گیری، که می‌توان، آن را در بحث‌های بین برنامه‌ریزان، سیاستمداران و بازیگران سیاسی در اموری همچون تنظیم دستور کار مشاهده کرد؛ ۳) قدرت ایدئولوژی که در نهادهای اجتماعی و ساختار اقتصادی نهفته است و می‌تواند، امیال و باورها را شکل دهد (Koglin & Pettersson, 2017: 2; Temper et al., 2018: 749). پایه و اساس دموکراسی پارلمانی سوئد از قدرت مردم ناشی می‌شود؛ همه از حقوق یکسانی برخوردارند؛ فرصت یکسانی برای بیان نظر خود دارند؛ همه آزادانه می‌توانند بر نحوه اعمال قدرت خود بر نهادهای سیاسی، سیاستمداران و نهادهای عمومی نظارت داشته باشند؛ همه می‌توانند از طریق شرکت در همه‌پرسی، پیوستن به حزب سیاسی و اظهار نظر درمورد گزارش‌های ارائه‌شده دولتی در امور شهر و منطقه مداخله کنند. قانون اساسی سوئد، علاوه بر تعیین چگونگی اداره کشور، به تنظیم روابط تصمیم‌گیری و قدرت اجرایی و حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان می‌پردازد. این کشور یک پروسه بیست ساله‌ای را برای انتقال مسئولیت سیاست رشد منطقه‌ای و برنامه‌ریزی زیرساخت‌های حمل و نقل را از سطح ملی به شوراهای شهرستان اعطا کرده است. همچنین در سال ۲۰۱۵، گفتمان وسیعی در زمینه تمرکز بر حکومت‌داری چند سطحی را برای یک دوره پنج ساله ایجاد کرد و در سال ۲۰۱۸، استراتژی‌های سیاسی مبتنی بر توسعه شهر پایدار و قابل زندگی را ارائه داد. به‌طور رسمی، ساختار سیاسی قدرت سوئد از سه سطح تشکیل شده است:

- سطح ملی
- سطح منطقه‌ای (شهرستان‌ها)، شامل ۱۸ شهرستان و دو منطقه که توسط فرماندار و یک هیئت اداری شهرستان اداره می‌شود.
- سطح محلی (شهرداری).



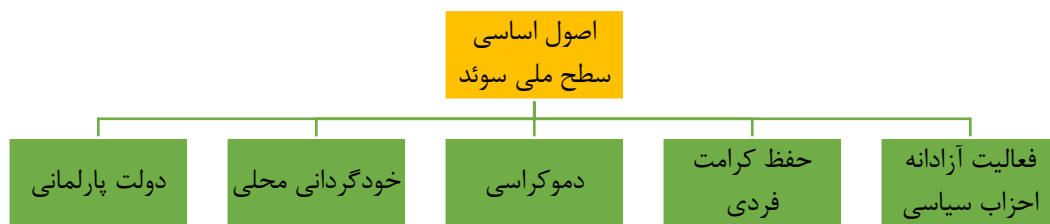
شکل ۳: تقسیمات مدیریتی - اداری سوئد، مأخذ (Schulman & Böhme, 2000:74)

البته پس از پیوستن به اتحادیه اروپا دارای سطح فرامنطقه‌ای نیز شده است. پارلمان و دولت ملی، برنامه‌ریزی کاربری اراضی را از طریق قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌ها هدایت می‌کند، مانند قوانینی چون قانون مسکن و محیط زیست (Persson, 2013: 305). اما از نظر ساختارهای رسمی، سیستم برنامه‌ریزی کاربری زمین را به سطوح محلی واگذار می‌کند و براساس قانون، برنامه‌ریزی مسکن سوئد (Koglin & Pettersson, 2017: 4) و برنامه‌ریزی آب و خاک امری مختص به شهرداری‌هاست و از این نظر شهرداری‌ها دارای انحصاری فوق‌العاده هستند و به شکلی مستقل درآمد خود را از مالیات بر درآمدها و کسب و کارهای شهری به دست می‌آورند. در ادامه به شکل مبسوط به هر یک از سطوح عنوان‌شده پرداخته شده است.

۴-۱. سطح ملی مدیریتی سوئد

در سطح ملی اختیارات قانونی توسط پارلمان سوئد و دولت به‌طور مشترک قرار دارد. هرچند قانونگذاری و اجرای عملی آن از پیشینه تاریخی اداره این کشور ناشی شده است؛ هر دولت یا هر عضوی از ریکسداگ می‌تواند به‌طور نظری - تئوری، قانون وضع کند. لوایح در درجه اول برای شروع تحقیقات، اصلاح پیشنهادات توسط دولت‌ها ارائه می‌شود، که پس از تصویب در پارلمان جنبه اجرایی می‌یابد. همچنین قوانین وضع‌شده در سطوح محلی برای همه دولت‌های محلی اعمال می‌شود. هدف اصلی تقویت و تعمیق دموکراسی در سوئد است، که به افزایش اعتماد

شهروندان به نحوه عملکرد دموکراسی و افزایش میزان مشارکت رأی‌دهندگان منجر خواهد شد. بنابراین، پارلمان نماینده اصلی مردم است که هر موضوعی را می‌تواند به شکلی نامحدود و آزاد مورد بررسی قرار دهد. پارلمان می‌تواند، قوانین محلی را وضع کند، مالیات‌های استانی را تعیین کند و در مورد نحوه به‌کارگیری وجوه دولت تصمیم می‌گیرد. حیطه عمل دولت در سطح حفظ قلمرو سوئد است و در عین حال به پارلمان باید پاسخ‌گو باشند. حفظ و ارتقای دموکراسی به‌عنوان راهنما در تمام بخش‌های جامعه پی‌گیری می‌شود و فعالیت‌های سیاسی تنها از طریق احزاب سیاسی به نمایندگی از مردم انجام می‌شود و احزاب آزادی کامل در این کشور دارند، تا قوانین را مورد بررسی و نظارت قرار دهند. خودگردانی محلی، انطباق با قانون در اعمال قدرت عمومی، ارزش برابر برای همه و آزادی و کرامت فردی، برخی از اصول اساسی پارلمان سوئد است (شکل ۴). همچنین، در سطح ملی، سیاست آینده‌نگری در زمینه توسعه اقتصادی برای یک دوره طولانی‌مدت، در واحد تحلیل سیاسی وزارت اقتصاد و دارایی سوئد انجام می‌گیرد.



شکل ۴: اصول دولت ملی (ریکسداگ) سوئد، مأخذ: یافته‌های تحقیق

بنابراین، وظیفه اصلی پارلمان، کنترل و نظارت بر انجام امور دولتی است. مانند دیگر سلطنت‌های مشروطه، در سوئد نیز، قدرت اجرایی به نام پادشاه اعمال می‌شود، اما تصمیمات به‌طور مؤثر توسط دولت (شامل ۱۸ عضو) که اعتماد ریکسداگ را جلب کرده‌اند، اتخاذ می‌شود. اعضای دولت قانون‌گذار نیستند و صرفاً اجراکننده و اداره‌کننده شهر و منطقه خواهند بود. به عبارت دیگر، پادشاه، رئیس دولت است، ولی قدرت سیاسی ندارد و حکومت به شکلی غیرمتمرکز از طریق پارلمان و ۲۴ استان^۱ انجام می‌پذیرد که چارچوب اصلی مدیریت غیرمتمرکز اقتدار ملی را فراهم کرده است. هر استان، توسط فرماندار به‌عنوان نماینده دولت ملی در سطح محلی اداره می‌شوند که مسئولیت اداره محلی تعداد زیادی از برنامه‌های ملی را به عهده دارند. همچنین آن‌ها ناظران دولت‌های محلی هستند.

۴-۲. مدیریت منطقه‌ای سوئد

شورای شهرستان یکی از عالی‌ترین مراتب تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت منطقه‌ای سوئد به‌شمار می‌آید. شوراهای شهرستان و مناطق موظف هستند، اطمینان حاصل کنند که همه افراد ساکن سوئد از سلامتی و دسترسی برابر به مراقبت‌های بهداشتی خوب برخوردارند. هزینه بهداشت و درمان، عمدتاً از طریق مالیات تأمین می‌شود. اصل خودکفایی و استقلال محلی به شوراهای شهرستان و مناطق این حق را داده است، که فعالیت‌های خود را با توجه به شرایط موجود در هر منطقه طراحی و سازماندهی کنند، به‌طور مثال پایه و اساس سیستم بهداشت و درمان سوئد، مراکز بهداشتی درمانی جامعه است. در این مراکز بهداشتی درمانی، بیماران می‌توانند از نظر تمام مشکلات بهداشتی که به منابع فنی و پزشکی بیمارستان‌های اصلی احتیاجی ندارند، معالجه شوند. کارهای بهداشتی پیشگیرانه یکی از عناصر مهم مراقبت‌های اولیه است که شورای شهرستان بر آن‌ها نظارت دارد. اگرچه مراقبت‌های دندانپزشکی توسط ارائه‌دهندگان دولتی و خصوصی ارائه می‌شود، اما شورای شهرستان و مناطق، مسئولیت کلی ارائه خدمات دندانپزشکی را بر عهده دارند. مراقبت از دندان برای تمام کودکان و جوانان تا ۱۹ سال رایگان است. در بیشتر شهرستان‌ها، حمل و نقل عمومی توسط شورای شهرستان، در هماهنگی با اقدامات شهرداری انجام می‌شود. خدمات حمل و نقل طی قراردادی که با اداره حمل و نقل عمومی منطقه و بخش خصوصی بسته و اجرا می‌شود. بنابراین برنامه‌ریزی منطقه‌ای در زمینه مسائلی چون مهاجرت، رفت و آمد، مکان‌های رشد اقتصادی، چالش‌های جمعیتی برای مناطق، تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای، نیروی کار و پیش‌بینی جمعیت تا سال ۲۰۳۵ در شوراهای شهرستان انجام می‌گیرد و می‌تواند بخش ملی را در زمینه سیاست‌های برنامه‌ریزی کلان و آینده‌نگری کمک کند.

۴-۳. سطوح محلی سوئد (دولت محلی)

دولت محلی سوئد ریشه‌ای باستانی دارد، اما شکل مدرن آن توسط قانون اداره شهرداری از سال ۱۸۶۲ تأسیس شد که سیستم کنونی دولت را پایه‌گذاری کرد. دو نوع دولت محلی وجود دارد که عموماً آن‌ها را به‌عنوان کمون‌های اولیه و کمون‌های ثانویه می‌شناسند و هر کدام وظیفه‌های مختلفی را بر عهده دارند و در انجام این وظایف تحت نظارت دیگری نیستند، اما هر یک تا حدی تحت نظارت و کنترل استاندارد است (Sandalow, 1971: 770).

- کمون‌های اولیه تقریباً تمام وظایفی را که دولت‌های محلی ایالات متحده آمریکا انجام می‌دهند، بر عهده دارد و تنها استثنا در این زمینه انحصار سیستم امنیتی و پلیسی شهرها توسط دولت ملی است. این کمون‌ها، مسئولیت فعالیت مدارس ابتدایی و متوسطه، برنامه‌ها و امکانات تفریحی و فرهنگی، حفاظت از آتش‌سوزی، برنامه‌ریزی کاربری اراضی، سرویس‌های بهداشتی، مقررات بهداشت و ایمنی، خدمات عمومی، مسکن عمومی و رفاه اجتماعی مختلف و برنامه‌های مراقبت‌های بهداشتی را بر عهده دارند. اختیارات آن‌ها، همگی از قوانین ملی اتخاذ شده است و حیطه

اختیارات آن به دو دسته رسیدگی به امور کمون (اداره شهرداری‌ها) و پرداختن به موضوعات خاص تقسیم می‌شود. کمون‌های اولیه ستون فقرات هر شهر محسوب می‌شوند و از نظر مالی به نسبت مستقل و خودکفا هستند و هزینه‌هایی که به صورت عمومی و ملی به این کمون‌ها تزریق می‌شود، به ارائه خدمات و هزینه آن به نفع ساکنان خود می‌پردازند. کمون‌های اولیه، دارای قدرت مطلوب برای انجام فعالیت‌های همچون ساخت و بهره‌برداری از بندرگاه‌ها، ارائه امکانات و خدمات فرهنگی و تفریحی مانند کتابخانه‌ها، تئاتر، استادیوم، اعطای بورس تحصیلی و غیره هستند. تقریباً ۵۰ درصد از درآمد کمون‌های اولیه از طریق مالیات تأمین می‌شود. بیش از ۲۰ درصد از طریق یارانه‌های دولت مرکزی و تقریباً یک سوم از منابع دیگر کسب می‌شود، اما بیشترین درآمد آن‌ها در درجه اول ناشی از درآمد حاصل از شرکت‌های محلی و هزینه‌های کاربری اراضی است. اصول اصلی این کمون‌ها در شکل ۵ به نمایش درآمده است:



شکل ۵: اصول اساسی کمون‌های اولیه سوند، مأخذ: یافته‌های تحقیق

• کمون‌های ثانویه: مسئولیت‌های مهمی را به عهده دارند. از جمله اینکه آن‌ها، تقریباً سه چهارم هزینه‌های جاری در زمینه بهداشت عمومی را در اختیار دارند. بیمارستان‌ها، مؤسسات روانی، برنامه‌های مراقبت از دندان، برنامه‌های رفاهی مادر و کودک و برنامه‌های بازدید پرستار از بیماران را در اختیار دارند. علاوه بر این، آن‌ها مسئولیت‌هایی در زمینه‌های آموزش و پرورش به‌ویژه آموزش بزرگسالان و رفاه اجتماعی آن‌ها، دارند، اگرچه هزینه‌های آن‌ها به‌طور قابل توجهی کمتر از کمون‌های اولیه است، اما این کمون‌ها نیز، بیشتر به درآمدهای مالیاتی سطوح تحت نظارت خود وابسته هستند. تقریباً ۷۵ درصد از درآمد کمون‌ها از طریق حمایت‌های دولتی و سایر منابع

به دست می آید.

کمک‌های مالی دولت به این دوکمون از طریق دو نوع عملکردی - عملیاتی و متوازن صورت می‌گیرد. کمک‌های مالی عملکردی - عملیاتی، تقریباً سه چهارم مبلغ اعطایی به کمون‌ها را تشکیل می‌دهد که به‌طور یکسان توزیع نمی‌شوند. ممکن است کمک‌های متوازن، براساس یک سری فرمول‌های از قبل تهیه‌شده با هدف توزیع مجدد منابع از کمون‌های ثروتمند به فقیرتر ایجاد شود. البته ناگفته نماند که توزیع کمک‌های دولتی با میزان درآمد کمون‌ها رابطه دارد؛ به گونه‌ای که اگر میانگین درآمد ساکنان از درآمد ملی بیشتر باشد، یا مالیات بیشتری دریافت کنند، کمک‌های مالی دولت به این مناطق کم‌تر خواهد بود.

۴-۴. کمون‌ها (شهرداری‌ها)

استقلال و خودگردانی شهرداری‌ها در سوئد دارای پیشینه طولانی است و با اوضاع اقتصادی و اجتماعی مناطق، ارتباطی تنگاتنگ دارد. شهرداری‌ها از اختیارات مالیاتی مستقل برخوردارند. عمدتاً شهروندان فقط مالیات بر درآمد را به شهرداری پرداخت می‌کنند که همین عامل، به افزایش خودمختاری شهرداری‌ها و گستردگی حوزه عمل و ابتکار آن‌ها منجر شده است. در حال حاضر در سوئد، ۲۹۰ شهرداری وجود دارد. هر شهرداری یک مجمع منتخب و شورای شهرداری دارد که در مورد مسائل شهرداری‌ها تصمیم‌گیری می‌کند. بالاترین مقام در شهرداری، شورای شهرداری است که هم‌زمان با انتخابات پارلمان ملی، مستقیماً توسط شهروندان انتخاب می‌شود. تعداد اعضای شورای شهرداری بسته به وسعت شهر و نهاد شهرداری متفاوت است و می‌تواند ۳۱ تا ۱۰۱ عضو داشته باشند. این شوراها در طول سال بین ۶ تا ۱۰ جلسه تشکیل می‌دهند و انتصاب اعضای هیئت اجرایی شهرداری به‌عنوان بازوی اصلی دولت محلی و انتصاب و هدایت امور کمیته‌ها از جمله وظایف آن‌هاست. در این شوراها، اقلیت‌ها و احزاب متنوعی می‌توانند شرکت داشته باشند و به معنای واقعی دموکراسی در این شورا حاکم است. آنچه جلب توجه می‌کند، این است که هرچه احزاب بتوانند نمایندگان بیشتری در شورای شهرداری داشته باشند، به همان میزان در هیئت شهرداری و کمیته‌ها می‌توانند نفوذ بیشتری داشته باشند. کمیته‌ها شامل دفاتر اداری و کارمندان دولت و سایر کارمندان فنی و اداری است. هیئت مدیره شهرداری مسئول تهیه مواردی است که در شورا تصویب می‌شود. همچنین، اجرای این مصوبه‌ها و اداره امور بخش‌های اداری و کمیته‌ها را به‌عهده دارد. بنابراین نمایندگان منتخب این فرصت را دارند که در تعیین و تصمیم‌گیری در همه سطوح، از آماده‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرای آن‌ها، مشارکت فعال و مؤثر داشته باشند. اصلی‌ترین وظایف شهرداری‌ها عبارت‌اند از: مراقبت از کودکان و پیش‌دبستانی‌ها، آموزش ابتدایی و متوسطه، مراقبت از افراد مسن و ازکار افتاده، خدمات اجتماعی - آبرسانی و فاضلاب، زیرساخت، ترافیک، حمل و نقل عمومی، برنامه‌ریزی و مسائل زیست‌محیطی، خدمات امداد و نجات و آمادگی اضطراری، خدمات فرهنگی و اوقات فراغت، مسکن و خدمات صنعتی

و تجاری.

شهرداری‌ها، قدرت برنامه‌ریزی برای ساخت آنچه باید ساخته شود در مکان‌ها و بازه‌های زمانی مختلف را بر عهده دارند. به عبارت دیگر، شهرداری‌ها دارای انحصار در زمینه برنامه‌ریزی و ابزار رسمی برای برنامه‌ریزی کاربری زمین، هستند. از نظر تئوری این بدین معناست که شهرداری‌ها این قدرت را دارند که برنامه‌ریزی اینکه چه چیزی باید ساخته شود در کجا و چه زمانی را تعیین نمایند (Persson, 2013: 308). البته با توجه به شورای شهرداری و هیئت‌ها و کمیته‌ها، تصمیمات در نتیجه تعاملات بین ذی نفعان انجام می‌گیرد و منافع افراد با توجه به اهداف کلی هماهنگ می‌شوند. قدرت برنامه‌ریزی برای شهرها و کمون‌های سوئد در قالب دو قدرت پویا یعنی (۱) ارتباط سیاستمداران و برنامه‌ریزان، و (۲) ارتباط میان بازیگران عمومی و خصوصی شکل می‌گیرد (Koglin & Pettersson, 2017: 6). البته با توجه به تحولات اخیر سیاسی این کشور، این نقد وارد می‌شود که یکی از چالش‌های شهرداری در زمینه قدرت و برنامه‌ریزی، مالکیت شهرداری بر زمین به عنوان مؤلفه مهم و تأثیرگذار بر توسعه است. به طوری که ۲۱ درصد شهرداری‌های سوئد مالک زمین‌ها با مجوز برنامه‌ریزی هستند. بخش خصوصی امکان تصرف، تغییر شکل و ساخت و ساز را دارند و به تعبیری ساختارهای غیررسمی و قدرت گرفتن آن‌ها، برنامه‌ریزی فضایی سوئد را از طریق تغییر در قوانین و ساختارهای اقتصادی، با پیچیدگی‌هایی از جمله محدودیت انحصار برنامه‌ریزی شهرداری‌ها مواجه ساخته است و بازیگران بیشتری را خارج از دفاتر برنامه‌ریزی سنتی و عمومی مشارکت داده و آن را به عنوان ابزاری در خدمت منافع بازیگران قدرتمند درآورد، یا تغییر قدرت به سمت توسعه‌دهندگان شده است که به نوبه خود می‌تواند رفاه عمومی کمتر جامعه و تأثیر بیشتر بر منافع بازیگران خصوصی را به همراه داشته باشد. برای حل این پیچیدگی‌ها، علاوه بر بررسی میزان تغییر روابط قدرت، نیازمند پیوند یافتن برنامه‌ریزی مشارکتی و نئولیبرالی در سوئد است.

۵. تجزیه و تحلیل

با بررسی حکومت محلی سوئد، می‌توان نتیجه گرفت که مشخصه اصلی برنامه‌ریزی شهری در این کشور، مشارکت گسترده سیاسی است و رویکردها و احزاب متنوع می‌توانند در تغییر قدرت برنامه‌ریزی شهرداری‌ها نقشی مؤثر ایفا کنند. مدیریت و حکمرانی سوئد متشکل از کارمندان دولت، سیاستمداران، دانشگاهیان، کارشناسان و نمایندگان سازمان‌های جامعه مدنی است که تاحد زیادی یک روش نهادینه شده در سیاست‌گذاری‌های عمومی سوئد و تبدیل مفهوم «دولت» به «حکمرانی» است. کمون‌ها به محلی برای ملاقات نمایندگان دولت و سازمان‌های مدنی برای انجام امور هنر و دموکراسی مشورتی مبدل شده‌اند. در سطح محلی، هر شهرداری دارای نهادهای مشاوره‌ای است که هدف آن‌ها مشورت با گروه‌های علاقه‌مند و هدف به‌ویژه مستمری‌بگیران و افراد ناتوان است که نوعی سازمان‌گرایی محلی را که از دهه ۱۹۷۰ معرفی شده به مرحله اجرایی یعنی مشارکت فعال و درگیر کردن بازیگران اصلی با منافع

مختلف و نظرات متنوع در سطوح شهر، منطقه و کشور رسانده است. همچنین، سیستم سیاسی سوئد بیانگر حذف مرز میان دو مفهوم دولت و جامعه مدنی است که اغلب به اشکال «جدید» حکمرانی نسبت داده می‌شود. در سوئد «دولت» و «جامعه» به‌طور سنتی به‌عنوان برچسب‌های مبادله‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند، که به دیدگاه سوسیال دموکراتیک در مورد «جامعه قوی» اشاره دارد و در آن حوزه‌های مختلف باید به بهترین وجه، مشارکت و همراهی می‌کنند. هر شهرداری حداقل با یک شهرداری در ارتباط مستقیم است و تبادلات تئوریک و عملی دارد. به طوری که شواهد نیز نشان می‌دهد، از آغاز دهه ۱۹۷۰ همکاری بین شهری در زمینه‌های توسعه اقتصادی منطقه‌ای، بهره‌وری، هزینه‌ها و افزایش ظرفیت اداری بوده است. این همکاری‌ها از دهه ۱۹۹۰ رو به گسترش بوده و براساس بررسی‌های انجام شده ۷۰۰ نوع فعالیت همکاری بین شهری، میان شهرداری‌ها به ثبت رسیده است که می‌توان، براساس نوع فعالیت به ۵ گروه: همکاری طبق قانون عمومی با سهم معادل ۷ درصد، همکاری براساس قانون خصوصی با سهم ۱۹ درصد (شرکت‌های سهامی خاص یا انجمن‌های غیرانتفاعی)، پروژه‌ها (۲۱ درصد)، توافق‌نامه‌ها (۲۲ درصد) و شبکه‌ها (۲۹ درصد)، دسته‌بندی کرد. اگرچه این تنظیمات غیررسمی و رسمی شبکه بین شهری براساس مشارکت داوطلبانه است، اما به‌نظر می‌رسد که تأثیرات ناشی از نقش «دولت شبکه‌ای» است، به این معنی که دولت، حکومت افقی شبکه را امکان‌پذیر ساخته است. بیشترین کاربرد، تصویب قوانینی است که امکان همکاری، ارتقای ایده‌های «بهترین روش»، هنجارها و استراتژی‌ها را فراهم می‌کند. توسعه همکاری‌های مرزی بین شهرداری‌ها، فرایندی است که می‌تواند هم به‌عنوان یک اصلاحات به رهبری دولت تلقی شود و هم از آن به‌عنوان یک نتیجه از تلاش و استراتژی محلی یاد شود. بنابراین، برنامه‌ریزی فضایی سوئد این امر را دیکته می‌کند که تمام پروژه‌ها و فعالیت‌ها در سطوح محلی - منطقه‌ای می‌بایست براساس مشارکت شهروندان و مدیریت مشارکتی پایه‌ریزی شود و برای مدیریت کلان‌شهرها رعایت امور زیر الزامی است:

- مدیریت براساس اهداف: انجام هر اقدام و راهکاری منوط به داشتن هدفی مشخص و بخشی از یک برنامه اصلی باشد (ارتباط اجزا با یکدیگر و با کل)؛
 - دیدگاه از پایین به بالا: همه اقدامات منافع و مشارکت ساکنان را اولویت اول خود قرار دهند؛
 - همکاری: اقدامات باید تا آنجا که ممکن است، شامل فعالیت‌های بین‌بخشی باشد؛
 - روندی بلندمدت: روند توسعه با هماهنگی با سطح ملی و محلی در درازمدت تعبیه شود.
- اگر به نرخ فساد در سوئد (به معنای سوء استفاده از قدرت در سطوح محلی و منطقه‌ای) به‌عنوان شاخصی برای دولت محلی و نقش آن در مدیریت سیاسی فضا، در مقایسه با دیگر کشورهای جهان نظری بیفکنیم، شاخص آن در سطح بسیار پایینی قرار گرفته است. به طوری که شاخص فساد سازمان شفافیت بین‌الملل سوئد (TI) در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ خود (بسیار فاسد - بسیار تمیز)، به این کشور امتیاز ۸۳ داده است. طبق مطالعات انجام‌شده، میزان فساد اداری در

بخش مدیریت ملی ۲۷ درصد و در بخش مدیریت محلی ۲۶ درصد و بیشترین میزان فساد به بخش خصوصی با ۳۴ درصد تعلق گرفته است. دو نهاد سازمان شفافیت بین‌الملل و مؤسسه مبارزه با فساد در سوئد، به‌عنوان لابی‌های تغییر قوانین و سیاست و اجرای کدهای رفتاری در زمینه کسب و کار فعالند که حاکی از این مطلب است که سوئد به بخشی از جنبش‌های اجتماعی گسترده برای احقاق حقوق بشر، دموکراسی و یکپارچگی تبدیل شده است؛ تحقیقات منظم و انتشار داده‌های رسمی و دسترسی مردم به آن‌ها، مشارکت پلیس برای افزایش آگاهی با سازمان‌های تجاری، غیردولتی و خصوصی از جمله نشانه‌های تلاش برای کاهش فساد به معنای گفته شده است. به تعبیری، سیستم مدیریتی این کشور، صادق‌ترین بخش عمومی را داراست و سازمان‌های دولتی با درجه از شفافیت، صداقت و پاسخ‌گویی همراه هستند (Makarova, 2018: 80). این سطح بالای مدیریت با فساد اندک، ناشی از عواملی چون مدیریت کارآمد دولتی، خدمات جامع با کیفیت بالا به شهروندان و شرکت‌ها، سابقه زیاد این کشور در زمینه باز بودن و شفافیت جامعه و نهادهای سوئدی به همراه احترام و الزام شدید آن‌ها به حاکمیت قانون ایجاد شده است. البته شرط تحقق آن است که ارزش‌ها و نگرش‌های واقعی جامعه سوئد لحاظ شود و آموزش و پرورش برای توسعه صداقت و اخلاق در حوزه‌های عمومی و خصوصی به اصلی مهم در جامعه مدنی مبارزه با فساد بدل شده است. به عبارتی دیگر، جامعه مدنی برای ایجاد شبکه با دولت، تجارت و سایر نهادها و عوامل مؤثر بر پایداری جامعه به دنبال یکپارچگی نهادهای مدنی و ساختن فرهنگی به بلندای تاریخ است.

با نگاهی موشکافانه به مباحث توسعه محلی سوئد، می‌توان بیان کرد که آمایش سیاسی سوئد تعادل میان تمرکززدایی، دموکراسی و توسعه پایدار را در دستور کار خود قرار داده است. این سیستم مبتنی بر شفافیت در تصمیم‌گیری، مشارکت عمومی، احترام به قانون اساسی و همکاری چندسطحی و سلسله‌مراتبی نهادها به کار خود ادامه می‌دهد. به عبارتی دیگر، پارلمان بر دولت نظارت مؤثر دارد و تصمیمات در سطوح مختلف کشور، شفاف اتخاذ می‌شود، همچنین، خودگردانی محلی به توزیع بهتر منابع و اتخاذ تصمیم‌گیری متناسب با منطقه منجر می‌شود و مشارکت فعال مردم و احزاب سیاسی پایه‌ای برای حفظ و توسعه دموکراسی در سوئد فراهم کرده است. همچنین، ساختار دولت‌های محلی و شوراهای شهرستان، با ترکیبی از تمرکززدایی، استقلال مالی و پاسخ‌گویی به نیازهای محلی، علاوه بر افزایش مشارکت محلی، دستیابی به عدالت و دسترسی به خدمات، را دنبال می‌کند. در سطوح شهرداری‌ها نیز، با تلفیق تمرکززدایی، مشارکت و تعامل با بخش خصوصی، هم دموکراسی و حکمرانی محلی را تقویت و هم عدالت فضایی و اجتماعی را تضمین کرده است. بنابراین می‌توان، اینگونه اظهار نظر کرد که سوئد توانسته به مزایای توسعه محلی از پایین به بالا، تقویت سرمایه اجتماعی و محیطی دست یازد. به طوری که با حذف واسطه‌ها، کاهش هزینه‌ها، و دستیابی به تصمیم‌گیری‌های واقع‌گرایانه، تأثیرات مثبتی بر کاهش نابرابری سطوح جغرافیایی و ایجاد توسعه متوازن برجای گذاشته است. این شکل از توسعه، توانسته نیازهای هر منطقه را به راحتی

شناسایی کند و هم به دلیل ارتباط دو سویه مردم و دولت به مدیریت بهتر منابع و بهبود کیفیت زندگی منجر شود. اگرچه، در سطوح کمونرها، چالش‌هایی از جمله نفوذ غیرقابل پیش‌بینی بخش خصوصی، محدودیت مالکیت شهرداری بر زمین، تأثیر سیاست‌های نئولیبرال بر فرایند برنامه‌ریزی وجود دارد، اما می‌توان با تقویت ابزارهای نظارتی، افزایش مالکیت عمومی زمین و ایجاد توازن برنامه‌ریزی مشارکتی و نئولیبرالی، به حل آن‌ها پرداخت.

۶. نتیجه‌گیری

با افزایش روند شهرنشینی و فعالیت‌های انسانی، زمین در حال تبدیل شدن به جهان شهری است که برنامه‌ریزی فضایی را به مفهومی مشکل‌گشا جهت حل مشکلات و مسائل ناشی از فعالیت‌های اقتصادی، تصمیمات سیاسی، تحرکات اجتماعی و غیره بدل کرده است. موفقیت هر دولت در اتخاذ برنامه‌ریزی فضایی به نوع نگرش سیاسی و برقراری زمینه‌های دموکراسی و حکمرانی شهر و قانونگذاری‌های متناسب با آن، شرایط اقتصادی متوازن و پایدار، رشد جمعیت و وسعت و قلمرو کشورها و غیره، بستگی دارد. برنامه‌ریزی فضایی اگر به درستی طرح‌ریزی، اجرا و اداره شود، می‌تواند به ارائه مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کمک کند و ابزاری مؤثر برای ترویج سرمایه‌گذاری‌ها و بهبود کیفیت زندگی شود. این نوع برنامه‌ریزی برای رسیدن به درجه موفقیت خود، مستلزم روابط تنگاتنگ میان حوزه‌های سیاسی و مدنی شهر و جامعه است. سیاستمداران به فرایند هدایت سیاست‌های اتخاذشده و مشاوره حرفه‌ای و بدون جانبداری بپردازند و گروه‌ها و احزاب در مراحل مختلف اعم از آماده‌سازی تا اجرا حضور فعال داشته باشند. سوئد با نگرشی سوسیال - دموکراتیک برنامه‌ریزی فضایی را اجرا می‌کند و در سطوح بالایی یعنی حکومت پارلمانی خود، براساس قانون اساسی به تنظیم حقوق شهروندی، آزادی‌های آن‌ها می‌پردازد. این کشور از سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تشکیل شده است که در سطوح ملی، کاربری اراضی و حمل و نقل را از طریق قانونگذاری‌ها هدایت می‌کنند و بیشتر به دنبال افزایش دموکراسی سوئد و افزایش میزان مشارکت شهروندان از طریق سطوح محلی است. شوراهای شهرستان و منطقه‌ای بیشتر اهداف درمانی و بهداشتی را به عهده دارند و بیشترین اقدامات توسعه شهر و کاربری اراضی و مسکن به عهده سطوح محلی از جمله کمون‌ها و شهرداری‌هاست. بنابراین، مدیریت و حکمرانی سوئد متشکل از کارمندان دولت، سیاستمداران، دانشگاهیان، کارشناسان و نمایندگان سازمان‌های جامعه مدنی است که تا حد زیادی یک روش نهادینه‌شده در سیاست‌گذاری‌های عمومی سوئد و تبدیل مفهوم «دولت» به «حکمرانی» است. کمون‌ها به محلی برای ملاقات نمایندگان دولت و سازمان‌های مدنی برای انجام امور هنر و دموکراسی مشورتی مبدل شده‌اند. در سطح محلی، هر شهرداری دارای نهادهای مشاوره‌ای است که هدف آن‌ها مشورت با گروه‌های علاقه‌مند و هدف به‌ویژه مستمری‌بگیران و افراد ناتوان است که نوعی سازمان‌گرایی محلی را به مرحله اجرایی یعنی مشارکت فعال و درگیر کردن بازیگران اصلی با منافع مختلف و نظرات متنوع در سطوح شهر،

منطقه و کشور رسانده است. سوئد به عنوان نمونه مورد مطالعه پژوهش، توانسته به درستی قدرت را در اختیار بخش‌های محلی (کمونرها) قرار دهد و مشارکت و اجماع را از طریق احزاب و گروه‌های مدنی به درستی به منصه اجرا برساند و همین امر باعث شده که برنامه‌ریزی فضایی در این کشور به درستی و با حفظ و حمایت منافع ساکنان، افزایش مشارکت و رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان با نگاهی از پایین به بالا در حال اجرا باشد. ایجاد مراکز مطالعات برنامه‌ریزی فضایی و پژوهشکده‌های تخصصی جهت تطبیق تجارب موفق با ایران، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و برنامه‌ریزان شهری در زمینه حکمرانی چندسطحی و نقش مشارکت‌های مدنی، بومی‌سازی مفاهیم از طریق تحلیل ساختارهای اجتماعی و سیاسی ایران و تحقیقات میدانی برای تعیین ظرفیت‌های مشارکت مردم در سطوح مختلف، طراحی پلتفرم‌های مشارکتی با بهره‌گیری از سامانه اطلاعات جغرافیایی، تقسیم قدرت به نهادهای محلی و ایجاد شوراهای مشورتی در محلات و بخش خصوصی، بازنگری در قوانین مدیریت شهری از جمله اصلاح قانون شهرداری برای افزایش استقلال مالی، تدوین قانون جامع برنامه‌ریزی فضایی برای مشخص شدن نقش دولت، شهروندان و شورا، ایجاد نهادهای مشترک دولتی و مدنی برای مسائل مشترک منطقه‌ای از قبیل حمل و نقل و بهداشت و کاربری زمین، ارائه مشوق‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری محلی و خصوصی خدمات عمومی، برگزاری جلسات همه‌پرسی جهت تصمیم‌گیری‌های کلیدی توسعه شهری، مسکن شهری، انتشار آزاد و شفاف داده‌ها و برنامه‌ها برای افزایش اعتماد عمومی، تدوین برنامه‌های میان‌مدت براساس پیش‌بینی جمعیتی، زیست‌محیطی و اقتصادی و پاسخ‌گویی با چالش‌های جدید مدیریتی از جمله پیشنهادات علمی و عملی این پژوهش با تکیه بر تجربه سوئد، برای آمایش سیاسی ایران به‌شمار می‌روند.

تشکر و قدردانی

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تأییدیه‌های اخلاقی

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع مالی/حمایت‌ها

موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

References

- Ahlberg, M. (2009). Sustainable Development in Sweden—a success story. *L'Europe en formation*, 352(2), 157-179.
- Aiginger, K. (2000). Country profiles in European manufacturing. *Contract*, (2000.441), 00002.
- Ansell, C., Sørensen, E., & Torfing, J. (2022). The key role of local governance in achieving the SDGs. In *Co-creation for sustainability: the UN SDGs and the power of local partnership* (pp. 9-22). Emerald Publishing Limited.
- Cardiff, E. D. C. (2017). Information Guide: Sweden. January 2017.
- CEMR, C. (2016). Local and Regional Governments in Europe Structures and Competences. *Local & Regional Europe*.
- De La Porte, C., Eydal, G. B., Kauko, J., Nohrstedt, D., Hart, P., & Tranøy, B. S. (2022). *Successful public policy in the Nordic countries: Cases, lessons, challenges* (p. 545). Oxford University Press.
- Diamond, D., & Weiss, D. M. (2016). Advancing community policing through community governance: A framework document.
- Grundström, K., & Molina, I. (2016). From Folkhem to lifestyle housing in Sweden: Segregation and urban form, 1930s–2010s. *International Journal of Housing Policy*, 16(3), 316-336.
- Gustafsson, E., & Andersson, P. (1991). Groundwater flow conditions in a low-angle fracture zone at Finnsjön, Sweden. *Journal of Hydrology*, 126(1-2), 79-111.
- Hansen, C. J. (2017). The new DNA of Danish spatial planning culture: The case of regional planning. In *Nordic Experiences of Sustainable Planning* (pp. 105-126). Routledge.
- Henderson, S. R. (2013). Building Culture: Ernst May and the New Frankfurt Initiative, 1926-1931. (*No Title*).
- Karimi, F., & Salehi, I. (2022). Planning on the development of local communities. In First International Conference on Advanced Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Planning. p. 18. .[Persian]
- Khursheed, A., Mustafa, F., Fatima, M., & Khalid, F. (2019). Antecedents of entrepreneurial intentions: A cross-country study of northern europe and the danube region. *Interdisciplinary Journal of Management Studies (Formerly known as Iranian Journal of Management Studies)*, 12(4), 593-627.[Persian]
- Koglin, T., & Pettersson, F. (2017). Changes, problems, and challenges in Swedish spatial planning—An analysis of power dynamics. *Sustainability*, 9(10),

1836.

- Makarova, M. (2018). The anti-corruption civil society in Sweden as part of sustainable policy networks. *Regional formation & development studies*, 26-27.
- Martela, F., Greve, B., Rothstein, B., & Saari, J. (2020). The Nordic exceptionalism: What explains why the Nordic countries are constantly among the happiest in the world. *World happiness report, 2020*, 129-146.
- Montin, S., & Elander, I. (1995). Citizenship, consumerism and local government in Sweden. *Scandinavian Political Studies*, 18(1), 25-51.
- Montin, S., & Persson, G. (1996). Local Institutional Change in Sweden-A Case Study. *New Modes of Local Organizing: Local Government Fragmentation in Scandinavia Commack: Nova*.
- Persson, C. (2013). Deliberation or doctrine? Land use and spatial planning for sustainable development in Sweden. *Land use policy*, 34, 301-313.
- Pries, J. (2022). A technocratic road to spatial justice? The standard as planning knowledge and the making of postwar Sweden's welfare landscapes. *Geografiska Annaler: Series B, Human Geography*, 104(3), 285-305.
- Rahnama.S.(2019) The Swedish Social Democratic Party: From Socialism to Liberalism. Political economy of space. p. 10. .[Persian]
- Sandalow, T. (1971). Local government in Sweden. *Am. J. Comp. L.*, 19, 766.
- Schulman, M., & Böhme, K. (2000). New dynamics in a municipal-based planning system: spatial planning in Sweden. *Built Environment (1978-)*, 72-81.
- Stahre, U. (2004). City in change: Globalization, local politics and urban movements in contemporary Stockholm. *International Journal of Urban and Regional Research*, 28(1), 68-85.
- Temper, L., Walter, M., Rodriguez, I., Kothari, A., & Turhan, E. (2018). A perspective on radical transformations to sustainability: resistances, movements and alternatives. *Sustainability Science*, 13, 747-764.
- UCLG, UCaL (Governments).(2020) Guidelines for Voluntary Local Reviews:. A Comparative Analysis of existing VLRs, Available from: uclg_vlrlab_guidlines. 1.
- Wälitalo, L., & Missimer, M. (2022). The Organization of Social Sustainability Work in Swedish Eco-Municipalities. *Sustainability*, 14(5), 2770.
- www.norden.org. [Online],(2023).
- www.orangesmile.com. [Online]. (2023). [cited 2023 December 5].
- www.riksbank.com. [Online].:(2023) [cited 2023 novamber 26. Available from:

www.riksbank.se/en-gb/about-the-riksbank/how-the-riksbank-is-governed/the-instrument-of-government/.

- Young, D., Krook, S., & Falcon, L. (2016). Local Government in the Nordic and Baltic Countries. An overview. *SKL International*. URL: <http://sklinternational.org.ua/wp-content/uploads/2016/09/SKL20International20HELA20160426.pdf>.